

بررسی قانون های مربوط به مجازات کودک آزاری در دیوان عالی کشور

محمد جوادنیا ریک^۱

^۱ کارشناسی حقوق دانشگاه علمی کاربردی تالش

چکیده

هدف: کودکان همواره از آسیب پذیرترین اقشار جامعه هستند که به دلایل مختلف از جمله پایین بودن سن و نداشتن مهارت های کافی قادر به حفاظت و حمایت کامل از خود نیستند. کودک آزاری از جمله معضلات اجتماعی است که مورد توجه قانون گذاران و روانشناسان تعلیم و تربیت قرار دارد و صاحب نظران علوم گوناگون از دیدگاه های مختلفی به آن نگرسته اند. کودک آزاری، آسیب یا تهدید جسم و روان یا سعادت و رفاه و بهزیستی کودک توسط والدین یا افرادی که نسبت به او مسئولیت دارند و بهره کشی از افراد زیر ۱۸ سال محسوب می شود. در سال ۱۳۸۱ نخستین بار قانونی برای حمایت از حقوق کودکان تصویب شد. یافته ها: ما در این مقاله بعد از بررسی یافته های مقالات، نخست به تعریفی از مفهوم کودک، کودک آزاری و انواع آن از دیدگاه های مختلف و سپس به بیان حقوق کودکان در قوانین ایران، پیامدهای گسترش آن در جامعه، جرایم مربوط به کودک آزاری و روش هایی برای جلوگیری از گسترش آن پرداخته ایم. روش پژوهش: روش تحقیق تجزیه و تحلیل کتابخانه ای-مروری است که با بررسی مقالات، اسناد، پایان نامه ها و پایگاه های اینترنتی معتبر به اطلاعاتی در این حوزه دست یافته ایم. نتیجه گیری: براساس اینکه کودکان در برهه ای از زندگی خود هستند که توانایی حمایت کامل از خودشان را ندارند باید اقداماتی برای دفاع از حقوق آنان از سوی جامعه و خانواده صورت گیرد. جرایم مربوط به کودک آزاری از جرایم عمومی محسوب می شود و نیازی به شاکی خصوصی ندارد و دولت موظف است خانه های امنی برای نگهداری و حفاظت از کودکان آسیب دیده تاسیس کند.

واژه های کلیدی: کودک آزاری، قانون کیفری، قانون مدنی، جرایم

مقدمه

دوران کودکی مهم ترین دوران زندگی هر انسان به شمار می رود، چرا که در این دوران شخصیت انسان شکل می گیرد. کودک آشنایی با هنجارها و ارزش های اجتماعی را در کانون خانواده یاد می گیرد. اگر این کانون برای کودک محیطی پراضطراب باشد؛ کودک کارایی خود را در تربیت نسلی خلاق و پویا از دست می دهد و باعث بروز انواع آسیب های اجتماعی می شود. یکی از این آسیب های اجتماعی و از جرایم در حال رشد در جوامع بشری، کودک آزاری است که به علت ویژگی های تاثیرگذار آن، نیاز به بررسی و برنامه ریزی مناسب به منظور پیشگیری و کمک به رفع یا کاهش آن به شدت احساس می شود (فخار، ۱۳۹۷). کودک آزاری عبارت است از آسیب رسانیدن به سلامت جسم و روان و یا سعادت و رفاه و بهزیستی کودک به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسئول هستند. به عبارت دیگر کودک آزاری نوعی صدمه رساندن ظالمانه به کودک و هر نوع اذیت و آزار جسمی و روانی کودک است. بنابراین، کودک آزاری منحصر شامل اعمال جسمی نیست بلکه علاوه بر آن دربرگیرنده کلیه رفتارهای ستمگرانه با کودک است که براساس قانون ممنوع می باشد (حسینی نیا، ۱۳۹۵). براساس گزارش وزارت فرهنگ و ارشاد رسیدگی در سال ۱۳۸۴، از هر ۸۰۰۰ خشونت خانگی، ۱۰۰۰ مورد آن مربوط به کودک آزاری بوده است. بدین ترتیب، این وزارتخانه کودک آزاری را در ایران در مرحله هشدار دانسته است. کارشناسان در بهترین حالت معتقدند که از هر ۱۰ کودک یک نفر مورد اذیت و آزار قرار می گیرد (مفاخری باشماق و همکاران، ۱۳۹۷). بنابر گزارش ۲۰۱۴ یونیسف، آمریکا در مقایسه با کشورهای اروپایی، بیشترین درصد کودک آزاری را دارد (فینکله و سیسکین، ۲۰۱۵). دیوان عالی کشور یکی از ارکان اصلی و قوای حکومتی است که به عنوان مهم ترین رکن قوه قضائیه، نماینده ای با اختیارات زیاد در این قوه محسوب می شود. این نهاد به جرائم امنیتی و به طور کلی نهادی است که عملکرد امنیتی دارد و به آن مسائل می پردازد (مرعشی و همکاران، ۱۴۰۱). حقوق کودکان، یکی از مهم ترین حقوق انسانی است زیرا در سایه این حقوق، کودکان می توانند حضوری مفید و کارساز در اجتماع داشته باشند. ولی بررسی ها نشان می دهد تا قرن بیستم نه در سطح قوانین داخلی کشورهای اسلامی و نه در سطح بین المللی هیچ گونه قانون مدونی در این زمینه نوشته نشده است. با توجه به آمارهای منتشر شده، میزان اعمال مخرب و جنایی علیه اطفال و نوجوانان در تمام دنیا در حال افزایش است. طی دهه های اخیر شواهد زیادی مبنی بر نقض حقوق کودکان در بسیاری از نقاط جهان به دست آمده است. میلیون ها کودک در سراسر جهان در اثر جنگ، آواره و بی خانمانند یا در شرایط دشوار کار می کنند و از مدرسه رفتن محروم اند و یا قربانی سوء استفاده های گوناگون از جمله فحشا و مواد مخدر قرار گرفته اند (عبدالله پور، ۱۳۹۸). در قانون ایران چه قبل و چه بعد از انقلاب، در قوانین کیفری نه تنها تعریفی از کودک آزاری ارائه نداده بلکه هیچ وقت درصد احصای کامل جرائمی که ممکن است نسبت به اطفال واقع شوند نیز برنیامده است. ولی در آذر ماه ۱۳۸۱ تحت تاثیر یافته های روان شناختی، جرم شناسی و جامعه شناسی در زمینه ی حمایت از کودکان و کاهش و پیشگیری از کودک آزاری، قانونی با عنوان قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید. این قانون از آن جهت که برای اولین بار اصطلاح کودک آزاری را وارد ادبیات حقوقی کیفری ایران کرد بسیار حائز اهمیت می باشد (زینالی، ۱۳۸۲).

یافته های گل محمدیان و همکاران (۱۴۰۱) با واکاوی پیامدهای جسمانی و روان شناختی کودک آزاری در استان کرمانشاه: یک مطالعه کیفی حاکی از آن است که پدیده کودک آزاری در جامعه ما رو به افزایش است و با پیامدهای بسیاری همراه است. برای کاهش این پیامدها، جامعه نیازمند برنامه ریزی همه جانبه و هماهنگ از طرف دولت برای تغییرات مناسب در ساختارهای خانوادگی، اجتماعی، قانونی و اداری است.

ابراهیمی (۱۳۹۷) با بررسی جرم شناختی- حقوقی کودک آزاری دریافت که در سال ۸۱ طرحی ۱۲ ماده‌ای به پیشنهاد انجمن حمایت از حقوق کودکان به مجلس ارائه شد و با پیگیری کمیسیون بهداشت مجلس تصویب شد که براساس آن کودک آزاری از مصادیق جرایم عمومی قرار گرفت و اعلام جرم علیه مرتکبین کودک آزاری ممکن شد و این تولد رسمی کودک در قوانین ما بود.

مساله کودک آزاری امروزه در اغلب کشورهای جهان مورد بررسی قرار می‌گیرد. به‌نحوی که در کنار دادگاه‌های اطفال، سازمان‌هایی برای حمایت از حقوق کودکان وجود دارند. رفتارهای مخوف و نامناسب نسبت به کودکان نه تنها موجب ناراحتی افراد جامعه و وجدان‌های انسان منشانه می‌شود، بلکه در امنیت عمومی و بهداشت روانی جامعه نیز بسیار موثر است (قاسمی، ۱۳۹۲). اگرچه دولت‌ها نمی‌تواند به‌طور کامل سلامتی و مطلوب بودن این حقوق را تضمین نمایند، اما دولت‌ها می‌توانند شرایطی را فراهم کنند که در آن به این حقوق توجه شده و کودکان از حیث این حقوق مورد حمایت قرار گرفته و به تبع آن از گزند آسیب‌های روحی و جسمی در امان باشند (سیدی بنایی و ولی‌نژاد، ۱۴۰۰).

پیشینه تحقیق

مهرا (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان رویکرد جامعه‌شناختی حقوقی به پدیده کودک آزاری دریافت که تقبیح اجتماعی کودک آزاری در حقوق کیفری، مستلزم ارائه تعریف جامعه شناختی جرم شناختی از این پدیده در جامعه ایران است. تا ضمن مشخص شدن تکلیف والدین، مربیان و آموزگاران در نگهداری و تربیت اطفال و دانش‌آموزان، کرامت انسانی کودکان نیز در مقابل هرگونه سوء استفاده علیه آنان حفظ و تضمین شود.

اکبری و حجازی (۱۳۹۹) با بررسی سیاست کیفری ایران در قبال کودک آزاری جنسی در پرتو قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ دریافتند که در نظام داخلی، در راستای اعمال سیاست‌های حمایتی مطابق با معیارهای بین‌المللی و وجود خلاء در قانون سابق حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، نیاز به حمایت‌های افتراقی از کودکان بزه‌دیده جنسی احساس می‌شد. قانون‌گذار، در سال ۱۳۹۹ در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نسبت به حمایت از این بزه‌دیدگان در برابر آزارهای جنسی توجه خاصی داشته است.

نتایج سیدی بنایی و ولی‌نژاد (۱۴۰۰) با بررسی نقش دولت در برابر کودک آزاری در حقوق موضوعه ایران حاکی از آن است که دولت با انجام برخی رفتارها و همچنین با ترک برخی رفتارها همچون مسامحه در پرداختن به پدیده کودک آزاری، اتخاذ سیاست‌های تشدیدکننده وقوع کودک آزاری، مشروعیت رفتارهای آزاردهنده نسبت به کودکان، امتناع آگاهانه از مداخله در برخی از جنبه‌های کودک آزاری، ورود در چرخه رفتارهای آزاردهنده نسبت به کودکان موجب ایجاد و یا تشدید کودک آزاری می‌شود. دولت می‌تواند با اتخاذ تدابیری همچون آموزش و اطلاع‌رسانی شفاف و فراگیر در حوزه‌های مرتبط با کودکان تهیه و تنظیم نظام جامع پیشگیری از وقوع کودک آزاری، تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با وضعیت اطفال در معرض خطر، حمایت از بزه‌دیدگی کودکان از کودک آزاری جلوگیری کند. همچنین با توجه به اینکه قوانین مصوب، نقش مهمی در ایجاد و یا تثبیت نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های نادرست دارند، قوانین نباید حاوی آموزه‌ها و داده‌های غیر انسانی و خلاف قواعد حقوق بشری باشند که این امر نیز باید مورد توجه قانون‌گذار قرار بگیرد.

رشنو (۱۴۰۰) در مقاله خود تحت عنوان تبیین خلاءها در زمینه مقابله با کودک آزاری با تاکید بر لزوم پیروی از اسناد بین المللی با روش توصیفی-تحلیلی دریافت که کرامت کودک، جایگاه و همچنین مسئولیت افراد بالغ نسبت به او ایجاب می‌نماید

که حداقل حقوق اساسی را برای او فراهم آوریم. لیکن کاستی‌هایی در این بین وجود دارد که می‌توان به آن‌ها اشاره نمود. اولین مورد، وجود خشونت قانونی و نهادینه شده است که مقنن ایرانی، یا به عبارت بهتر، شورای نگهبان مصرانه تمایل به ابقای آن در قوانین دارد و آن تجویز تنبیه فیزیکی و روحی برای کودکان است. مسئله دیگر قانونی دانستن کار کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال می‌باشد که طی مواد ۱۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۸۰ قانون کار بر آن صحه گذاشته است. با این حال، شناسایی وضعیت مخاطره‌آمیز در رابطه با کودکانی که دارای شرایط حاد نگهداری هستند قابل تقدیر است.

یافته‌های رضائی (۱۴۰۰) با بررسی حمایت از بزه‌دیدگی جنسی اطفال و کودک آزاری در جامعه نشان می‌دهد که تحریک‌پذیری جنسی کودک مربوط به دوران بلوغ نیست بلکه پیش از دبستان نیز معمولاً کودکان دچار این مسئله هستند. از این رو بحث کودک آزاری جنسی مورد توجه است و از آنجائی که این امر پنهانی است، اهمیتش دوچندان می‌شود. نقش خانواده به لحاظ امنیت روانی و مدرسه به لحاظ آموزش اهمیت زیادی دارد. این جرم در ردیف زنا با محارم، مساحقه، لواط و ... قرار می‌گیرد. با این تفاوت که جایگاه ویژه‌ای در قانون اساسی ندارد و توجه زیادی به این جرم و مجازات آن نسبت به جرم‌های دیگر در قانون اساسی نشده است.

صبوری‌پور و حق‌بین (۱۴۰۲) در مقاله خود با عنوان نوآوری‌ها و چالش‌های قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در پیشگیری از کودک آزاری نتیجه گرفتند که از جمله نوآوری‌های این قانون، استفاده حداکثری از ظرفیت سازمان‌های دولتی از جمله سازمان بهزیستی در پیشگیری از کودک آزاری، شناسایی و حمایت قانونی از کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزه‌دیدگی نظیر کودکان در معرض ترک تحصیل، کودکان دارای والدین زندانی و معتاد و بازتعریف آسیب‌های فراروی کودکان و نوجوانان نظیر بهره‌کشی اقتصادی از کودکان و هرزه‌نگاری کودکان می‌باشد. از سوی دیگر از جمله چالش‌های عملی این قانون می‌توان به تقیید مفهوم آزار عاطفی و نبود ضمانت اجرا برای آن، وضع مجازات‌های حداقلی برای والدین آزارگر، وضع مجازات‌های حداقلی در جرم آزار جنسی غیر حدی و نبود سازکارهای مناسب جهت تشکیل پرونده شخصیت اطفال بزه‌دیده اشاره نمود.

مبانی نظری

مفهوم کودک از نظر قانونی

قوانین ایران در پاره‌ای از موارد، پایان کودکی را رسیدن به سن بلوغ می‌داند و در مواردی رسیدن به سن رشد را در این زمینه معتبر شناخته است. به نظر می‌رسد در سیستم حقوقی ایران، مرز کودکی همان سن بلوغ است که نه سال تمام قمری برای دختران و پانزده سال تمام قمری برای پسران است که برای مسئولیت کیفری مطرح شده است. به طور کلی، از نظر تحولات قانون‌گذاری درباره مفهوم کودک این نتیجه حاصل می‌شود که توجه مقنن ایرانی به مفهوم طفل بیشتر از دیدگاه مسئولیت کیفری و قابلیت تعقیب بودن فرد است (اسدی، ۱۳۸۶).

از سوی دیگر، قانون‌گذار در سال ۱۳۸۱ رویکرد جدیدی، با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که از مفاد میثاق حقوق کودک ۱۹۸۹ میلادی الهام گرفته شده است، در این زمینه اتخاذ نمود. بر اساس این قانون، ملاک سنی برای حمایت از کودکان در برابر آزار، ۱۸ سال خورشیدی است و به علاوه در این زمینه میان دختران و پسران تفاوت قائل نشده است (خلیلی پاجی و همکاران، ۱۳۹۶). در ماده (۱) کنوانسیون حقوق کودک در اولین گام، کودک به افراد زیر ۱۸ سال تعریف می‌شود یک استثناء ذیل ماده (۱) به این عبارت بر این تعریف وجود دارد: مگر اینکه طبق قانون لازم الاجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر از ۱۸ سال باشد. به این ترتیب اگر طبق قانون هر یک از کشورهای عضو، سن بلوغ و یا بزرگسالی کمتر از ۱۸ سال تعیین شده

باشد، همان تعریف بر کودک صادق است (مهرپور، ۱۳۸۳). بنابراین، معیار تشخیص کودکی در قوانین داخلی هر کشور متفاوت خواهد بود، اما باید برای تعیین آن شاخص‌های عرفی در نظر گرفته شود و با رعایت منافع کودک، دست به تعیین سن خاصی نمود. مطلب دیگر اینکه کنوانسیون، سن بلوغ و رشد را یکی می‌داند؛ یعنی با رسیدن کودک به ۱۸ سالگی، اهلیت اجرای مستقیم تمام حقوقش را به وی می‌دهد و به‌طور کلی می‌تواند مستقل عمل کند (پیوندی، ۱۳۹۰) به نظر می‌رسد قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در این زمینه با رعایت این معیارها تصمیم درستی در انتخاب سن ۱۸ سال اتخاذ نموده است (خلیلی پاجی و همکاران، ۱۳۹۶).

کودک آزاری

منظور از کودک آزاری رفتاری است که کودک مورد انواع آزارهای جسمی، جنسی، بی‌توجهی و سوء رفتارهای عاطفی قرار می‌گیرد (خوشائی، ۲۰۰۳). هر نوع کوتاهی و غفلت و یا ارتکاب به هر عملی که بهداشت و سلامت جسمانی و روانی کودک را به مخاطره می‌اندازد و خدشه بر آن وارد می‌کند، کودک آزاری قلمداد می‌شود. بنا به تعریف، کودک آزاری شامل دو جنبه کمی و کیفی است، اما معمولاً شکل‌های مختلف بی‌توجهی و سوء استفاده با همدیگر اتفاق می‌افتند. بسته به نوع، شدت، فراوانی و گستردگی حالات مختلفی از بدرفتاری و بی‌توجهی وجود دارد، و بسته به حالات مختلف کودک از جمله سن، جنسیت، مزاج و یا معلولیت امکان آسیب‌پذیری بیشتر او به نوع خاصی از بدرفتاری وجود دارد (مانلی و همکاران، ۱۹۹۴). والدین و مراقبان آزارگر با احتمال بیشتری در گذشته خود نیز مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند، افراد آزارگر و آزار دیده هر دو غالباً در مناطق پایین اجتماعی هستند (بویس و همکاران، ۱۹۹۸)، و در زمینه‌های جسمانی این احتمال وجود دارد که هر شکل از بدرفتاری منجر به عواقب بیشتری به نسبت جنبه‌های عاطفی و بی‌توجهی بر مغز شود (مفاخری باشماق و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین کودک آزاری در اصطلاح متخصصان امر به هرگونه رفتاری که مشتمل بر آزار جسمی یا سوء استفاده‌ی جنسی یا بی‌توجهی به کودک و نیازهای اساسی افراد و آزار عاطفی باشد، اطلاق می‌گردد. البته کودک آزاری یک امر نسبی است، با این توضیح که باتوجه به فرهنگ و باورهای هر منطقه، تلقی متفاوتی از آن می‌شود. چه‌بسا رفتاری در یک جامعه، مصداق کودک آزاری محسوب شده و جرم به حساب آید، ولی در جامعه‌ی دیگری یک امر عادی محسوب شود (رستم‌زاده، ۱۳۹۸).

آزار جنسی کودک

پدوفیلی به‌عنوان زشت‌ترین، فجیع‌ترین و جنجالی‌ترین مسایل مربوطه حقوق جزا به خصوص در جرایم علیه اطفال می‌باشد. پدوفیلی (pedophilie) از ریشه (pedophili) در حقوق روم و از دو کلمه pedo به معنای بچه و philia به معنای دوست داشتن یا عشق ورزیدن از زبان لاتین نشأت گرفته است و در اصطلاح حقوقی به سوء استفاده جنسی از اطفال تلقی می‌گردد و در حقوق بین‌المللی جزایی از پروفیلی به لذتی که یک شخص بزرگسال از داشتن روابط جنسی با کودکان اعم از پسر یا دختر می‌برد، تعبیر گردیده است (رضائی، ۱۴۰۰).

آزار جسمی کودک

به طور کلی کودک آزاری جسمی آسیبی است که مواردی چون ضربه زدن، داغ کردن، آسیب رساندن به سر، شکستگی، آسیب های درونی، زخمی کردن و یا هر شیوه دیگر از آسیب جسمانی را شامل می شود. کبودی و شکستگی استخوان از شایع ترین کودک آزاری هاست (حبیبی و گوهری مقدم، ۱۳۹۶). کودک آزاری جسمی، اولین نوع کودک آزاری است که بیشتر در خانواده های فقیر و در معرض از هم پاشیدگی اتفاق می افتد. کار پیش از موعد کودکان در مزرعه و کارگاه های زیرزمینی و خیابان ها پیش از پانزده سالگی و نیز کودک ربایی که به منظور انتقام از والدین و یا باج خواهی مالی صورت می گیرد، از مصادیق عمده کودک آزاری جسمی در تمام کشورهای جهان است (مشرفیان دهکردی، ۱۳۹۶).

آزار عاطفی کودک

مواردی چون تحقیر کردن، تمسخر، سرزنش، طرد نمودن، محرومیت عاطفی، برخورد خشونت آمیز، آزارهای کلامی، کنترل شدید و نامعقول، دست انداختن، ترساندن، انتظارات نامناسب، اعمال خشونت علیه همسر در برابر چشمان کودک، ناسزا گفتن و کلیه اقداماتی که کارکردهای روانشناختی رفتار و رشد کودک را به شدت تحت تاثیر منفی قرار می دهد، از مصادیق کودک آزاری روانی- عاطفی به حساب می آید. آزار عاطفی درواقع، شامل آزار روحی، کلامی و آسیب ذهنی است که منجر به اختلال رفتاری، شناختی، عاطفی و یا فکری در کودک می شود که علاوه بر خانواده های مشکل دار به لحاظ اقتصادی، در خانواده های نسبتاً مرفه جامعه نیز دیده می شود (اسمعی و همکاران، ۱۳۹۸).

کودک آزاری مبتنی بر غفلت و بی مبالاتی

بی توجهی و کوتاهی در فراهم نمودن لوازم رشد کودک در کلیه حوزه های سلامتی، آموزش، رشد عاطفی، تغذیه، مسکن و شرایط زندگی امن در حیطه منابعی که در اختیار والدین قرار دارد و منجر به بروز آسیب به سلامتی یا رشد جسمی، روحی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی کودک می گردد و همچنین قصور در نگهداری و مواظبت کامل و حمایت از کودکان در برابر آسیب ها تاجایی که امکان پذیر است کودک آزاری مبتنی بر غفلت و بی مبالاتی محسوب می شود (ایروانیان و همکاران، ۱۳۸۹).

روش تحقیق

هدف پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی است که با روش تجزیه و تحلیل کتابخانه ای و مروری انجام شده است. این تحقیق به بررسی جرایم مربوط به کودک آزاری در دیوان عالی کشور می پردازد و از مقالات، اسناد و پایگاه های اینترنتی معتبر در این موضوع استفاده شده است.

یافته‌ها

حقوق کودک بر اساس قوانین

اعلامیه جهانی حقوق کودک (مصوب ۱۹۵۹) در قسمت ابتدایی اصل ۹ می‌گوید: کودک باید در برابر هرگونه غفلت، ظلم، شقاوت و استثمار حمایت شود. همچنین در ابتدای اصل ۶ مقرر شده است که کودک، برای پرورش کامل و متعادل شخصیتش نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید حتی‌الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود و به هر صورت در فضایی پرمحبت، در امنیت اخلاقی و مادی، پرورش یابد. جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ و با اعمال حق شرط (در چارچوب مقررات شرع و به شرط مغایرت نداشتن مفاد پیمان با شرع اسلام) به این کنوانسیون پیوست. براساس ماده ۳ پیمان‌نامه جهانی کودک، منافع عالی‌ه کودک باید در هر اقدامی از سوی سرپرستان و والدین مورد توجه قرار گیرد. براساس این ماده، دولت‌ها نیز موظف شده‌اند در صورت کوتاهی والدین نسبت به فرزندان، حمایت‌ها و مراقبت‌های لازم را از آنان انجام دهند. براساس ماده ۱۹ این پیمان‌نامه، کشورهای عضو برای حمایت از کودکان در برابر خشونت‌های جسمی و روانی هرگونه آزار، بی‌توجهی و سهل‌انگاری باید اقدامات قانونی، اجتماعی و آموزشی لازم را به‌عمل آورند. دولت‌های امضاکننده پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک موظف شده‌اند که اقدامات لازم برای محافظت از کودکان در برابر استفاده غیرمجاز از مواد مخدر، داروهای روانگردان و قاچاق این مواد را انجام دهند (ناصری و همکاران، ۲۰۲۰). درواقع کودک آزاری از جرایم عمومی محسوب می‌شود و نیاز به شاکی خصوصی ندارد. یعنی هرکس می‌تواند به محض دیدن مورد کودک آزاری، آن را گزارش دهد و دادستان هم به‌عنوان مدعی العموم باید موضوع را پیگیری کند. این قوانین اگرچه قدم بزرگی در کمک به کودکان قربانی محسوب می‌شود اما باید همچنان درهرچه دقیق‌تر بودن و رفع نواقص آن تلاش‌های بسیاری صورت گیرد. به‌علاوه برای حمایت از کودکان در برابر چنین جرایمی باید اقدامات زیادی از جمله آموزش به کودکان، نظارت و سرکشی از کودکانی که به خانه‌ای بازگشته‌اند که در آن مورد آزار بوده‌اند، تصویب قانون برای حمایت از حقوق کودکان، تاسیس خانه‌های امن برای کودکان آسیب‌دیده و ایجاد معاضدت‌های قضایی و حقوقی برای کودکان صورت پذیرد (مختارزاده و همکاران، ۱۴۰۱).

کودک آزاری از نگاه حقوق ایران

از منظری کلی، کودک آزاری را می‌توان به دو قسم کلی تقسیم کرد: کودک آزاری جسمی و کودک آزاری روانی. با توجه به انگیزه و عوامل ارتکاب جرم. کودک آزاری به انواع مختلفی قابل تقسیم است که عبارت‌اند از:

۱- کودک آزاری ناشی از آزار جسمی، مانند ضرب و جرح.

۲- کودک آزاری ناشی از بهره‌گیری خلاف؛ مانند بهره‌گیری برای قاچاق و مطلق به‌کارگرفتن کودک زیر پانزده سال.

۳- کودک آزاری ناشی از ترک فعل؛ مانند نادیده گرفتن عمدی سلامت، بهداشت و ترک انفاق کودک.

۴- کودک آزاری جنسی؛ مانند استفاده از کودک در هرزه‌گری‌ها.

صریح‌ترین قانونی که در تقابل با پدیده کودک آزاری به تصویب رسیده، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱) است که در برگیرنده کودکان زیر ۱۸ سال نیز می‌باشد. البته در قوانین دیگری نیز به صورت جسته و گریخته و به مناسبت‌هایی به مسائل کودک آزاری پرداخته شده و درصدد حمایت از کودک برآمده است. به عنوان مثال ماده ۲ قانون

حمایت از کودکان مقرر می‌دارد: هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است.

بر اساس این تعریف، ماهیت کودک آزاری، اذیت و آزار است؛ لذا مجرم باید سوءنیت عام و خاص داشته و درصدد آزار او برآمده باشد. بدین سبب کسی که از روی غفلت یا عدم سوءنیت باعث به وجود آمدن صدماتی به کودک شود، مرتکب کودک آزاری نشده است. از سوی دیگر کودک آزاری، جرمی مقید به نتیجه است و لذا باید عملیات آزاردهنده، موجب صدمات جسمی یا روانی و اخلاقی گشته و سلامت جسم و روان کودک را به خطر اندازد. عنصر مادی این جرم، عبارت است از صدمات جسمی؛ مانند جراحات و صدمات روانی، مانند پریشانی روانی، اضطراب، افسردگی و مانند آن. جالب این که پیش از این در قوانین، صدمات روانی جرم تلقی نمی‌شده است، لکن این قانون در جهت حمایت کامل از کودک، صدمات روانی را نیز جرم تلقی نموده است. بنابراین، این ماده در برگیرنده جرائم ناشی از کودک آزاری جسمی ناشی از آزار و نیز کودک آزاری روانی می‌شود. هر چند ماده ۷ قانون حمایت از کودک مقرر می‌دارد که: اقدامات تربیتی در چارچوب ماده (۵۹) قانون مجازات اسلامی، مصوب ۷/۹/۱۳۷۰ و ماده (۱۱۷۹) قانون مدنی، مصوب ۱۹/۱/۱۳۱۴ از شمول این قانون مستثنا است. اما از مصادیق کودک آزاری ناشی از آزار جسمی، تنبیه بدنی خارج از حد متعارف توسط والدین یا سرپرست قانونی است که بخش عظیمی از آمار کودک آزاری را در ایران و جهان دارد. برخی از حقوق‌دانان یکی از دلایل افزایش این نوع از کودک آزاری را به سبب ابهامات قانونی می‌دانند که این ابهامات قابل بررسی است. با توجه به تبیین فقه، تنبیه بدنی منتهی به قطع عضو یا جرح، به یقین خارج از حد متعارف بوده و علاوه بر مجازات، به موجب ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی بنا به صلاحدید قاضی می‌تواند سبب عزل ولی کودک از ولایت و سرپرستی او گردد. البته ضرب و جرح کودک، چه از سوی والدین و چه غیر ایشان، به موجب عموم مواد ۲۶۹ و ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی قابل قصاص و دیه است (عبدالله‌پور، ۱۳۹۸).

مجازات مربوط به آزار جنسی کودک

مرتکبان جرم آزار جنسی کودک از نظر رابطه خویشاوندی که با طفل بزه‌دیده دارند به دو دسته: بچه‌بازان دورن خانوادگی و بچه‌بازان برون خانوادگی تقسیم می‌شوند. بر مبنای گزارش محققان در ایالات متحده آمریکا به سال ۱۹۸۵ به‌طور متوسط هر پدوفیل درون خانوادگی مرتکب ۳۵ تا ۴۵ فقره فعل مجرمانه مزبور بر روی یک یا دو کودک می‌شود. پدوفیل‌های برون خانوادگی مرتکب ۱ یا ۲ فقره فعل مجرمانه بر روی هر فرد از میان تعدادی کودک که رقم ایشان به طرز وحشت آوری بالا است می‌گردند ۱ یا ۲ فقره از میان حدود ۲۰ (قربانی اناث) و یا ۱۵۰ (قربانی ذکور) در ازای هر پدوفیل بنا بر این نتایج آشکار می‌کند که اینگونه اشخاص تهدید بسیار بزرگی برای اطفال هستند. از نظر روانشناسی جنایی نیز پدوفیلی‌ها یا بچه‌بازی نوعی اختلال روانی است که در نتیجه آن فرد بیمار به‌جای برقراری رابطه عادی جنسی با جنس مخالف، به سراغ دختران یا پسران کم‌سال و نوجوانان می‌رود و میل جنسی خود را با تماس با آن‌ها ارضا می‌کنند. مرتکبان پدوفیلی بیشتر مردان هستند که اگر با حالت‌های روانی دیگر مثل (سادیسزم) توأم شود؛ سبب ارتکاب جنایت‌هایی هم می‌گردند و بسیاری از این مرتکبان ازدواج کرده و گاه خود دارای فرزند نیز می‌باشند. همه مجرمان که مرتکب (بچه‌بازی) می‌شوند از اشخاص بالغ می‌ترسند به همین دلیل به بچه‌ها نزدیک می‌شوند زیرا از این طریق احساس قدرت جنسی و تفوق به آن‌ها دست داده و می‌توانند خود را ارضا کنند. آن‌ها به‌طور ناخودآگاه احساس کودکان را داشته و از این جهت خود را با آنان همانند می‌سازند. بیشتر کسانی که پدوفیلی را مرتکب می‌شوند، اشخاصی انفعالی و مطیع بوده و از لحاظ فکری معیوب و یا به‌نوعی حالت عصبی یا روان‌پریشی دچار هستند؛ به عبارت دیگر اکثر مرتکبان بچه‌باز به اختلال عصبی دچار بوده و از نظر عاطفی ثبات ندارند این افراد معمولاً

خشن نیستند، ولی بعضی اوقات به خصوص اگر زمانی که مشغول انجام عمل جنسی هستند بچه شروع به فریاد کند، ممکن است او را از ترس به قتل برسانند. اعتیاد به الکل، و ابتلا به جنون و پیری از عوامل مهم پدوفیلی محسوب می شوند. جرم پدوفیلی که در کشور ما در اصطلاح عامیانه (بچه بازی) معروف است متأسفانه از نظر قوانین موضوعه صراحتاً جرم به شمار نیامده و برای اطفال از این حیث حمایت خاصی پیش‌بینی نده است لیکن کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ که جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به این کنوانسیون ملحق گردیده است. در مقام حمایت از اطفال در برابر تمام اشکال سوء استفاده جنسی من جمله پدوفیلی برآمده و اذعان داشته که تمام کشورهای طرف کنوانسیون متعهد می گردند که از کودکان در برابر تمام اشکال سوء استفاده ها و استثمارها در رفتارهای جنسی علیه کودک حمایت کنند. و از هر نوع عملی که موجب اضرار و ایذاء و آزار کودک در جهت سودجویی جنسی افراد می شود اعم از تماس های شهوت انگیز، لواط و هر نوع آمیزش غیرقانونی استفاده از کودکان در فاحشه گری، تهیه عکس و فیلم های پورنوگرافیک، ربودن کودکان، قاچاق کودکان و معامله آنها، سوق دادن آنان به استفاده از مواد مخدر، توزیع و خرید و فروش مواد مخدر، آلوده کردن آنان با مشروبات الکلی و داروهای مخدر و سوء استفاده جنسی از این طریق، شکنجه و آزارهای جنسی، جلوگیری کنند و با شدت و بدون هرگونه ملاحظه اجتماعی یا سیاسی از این مجرمان آنان را مجازات نمایند (رضائی، ۱۴۰۰).

کودک آزاری عاطفی

با تحقق ماده ۲۹ که والدین و افراد جامعه را موظف به توجه به شخصیت و شرایط عاطفی کودک نموده و در صورت جدا بودن والدین از یکدیگر به موجب ماده ۲۰ برای رعایت نیازمندی های عاطفی، حکومت را موظف به حمایت از کودک نموده است. کودک آزاری عاطفی نیز کاهش خواهد یافت. این پیمان نامه برای مقابله با کودک آزاری جنسی در ماده ۳۴ مقرر می دارد؛ حکومت های عضو پیمان، خود را موظف می دانند که کودک را در مقابل هرگونه استثمار سکسی و سوءاستفاده جنسی حمایت کنند. حکومت ها برای این منظور دست به اقداماتی در سطح داخل و خارج از کشور می زنند تا:

الف) کودکان به روابط جنسی غیر قانونی و یا اجباری کشانده نشوند.

ب) کودکان در زمینه فاحشه گری مورد استفاده قرار نگیرند.

ج) از کودکان در هرزه گری ها و نمایش های سکسی استفاده نشود (عبدالله پور، ۱۳۹۸).

کودک آزاری روانی

از مصادیق تصریح شده کودک آزاری روانی، توهین و قذف کودک است که در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی و عموم ماده ۱۴۵ و ۶۰۸ مجازات آن تا ۷۴ ضربه شلاق قرار داده شده است. البته مصادیق مهم دیگری دارد که از آن جمله می توان به عدم تحویل کودک به سرپرست قانونی (ماده ۶۳۲)، رها کردن کودک (ماده ۶۳۳)، ربودن نوزاد (ماده ۶۳۱)، مزاحمت و تعرض در اماکن عمومی (۶۱۹). البته مواردی نیز وجود دارد که چنانچه بزه دیده کودک باشد، مجازات مجرم تشدید خواهد شد مانند جرم آدم ربایی (عبدالله پور، ۱۳۹۸).

پیامدهای کودک آزاری

پیامدهای جسمی

این پیامدهای دامنه گسترده‌ای را دربر می‌گیرد که گاه می‌تواند با یک خراش کوچک آغاز شود یا منجر به معلولیت و مرگ کودک شود. از جمله پیامدهای آن می‌توان به کوفتگی، تجربه گلو درد مداوم، خواب نامنظم، مصرف قرص خواب‌آور، کبودی پوست، خراشیدگی، سوختگی، لرزش دست‌ها، لکنت زبان، خیس کردن یکباره خود، شب ادراری، درد سرگردان در نقاط مختلف بدن، شکستگی استخوان (ران، ترقوه، دنده‌ها)، لنگیدن هنگام راه رفتن، دررفتگی لگن، آسیب به سر، آسیب به شکم، آسیب به سیستم ایمنی، آسیب به سیستم عصبی، نابینا شدن، معلولیت و درنهایت مرگ را دربر می‌گیرد (گل‌محمدیان و همکاران، ۱۴۰۱). در برخی پژوهش‌های دیگر به پیامدهای جسمی کودک آزاری مانند کوفتگی و کبودی، خراشیدگی، سوختگی، شکستگی استخوان و مرگ نیز اشاره شده است (موسوی هندی و همکاران، ۲۰۱۹).

پیامدهای روان‌شناختی

درد روان؛ درد قلب و رنج ذهن و روان است. در بیشتر موارد کتمان کردن این درد منجر به اختلالات جسمانی می‌شود. سرکوبی درد روان، پایداری آن را در ذهن و جسم بیشتر می‌کند، بنابراین درمان آن سخت‌تر است. درد سرکوب شده، انرژی ارزشمند فراوانی از انسان می‌گیرد و او را از پای در می‌آورد (لانگ، ۲۰۰۸). پیامدهای روان‌شناختی یکی از مولفه‌هایی است که توسط بیشتر افراد آزاردیده به آن اشاره شده است، به‌طوری که از همه پیامدهای کودک آزاری هم برجسته‌تر و هم فراوانی پیامدهای آن بیشتر است. این پیامدها دامنه گسترده‌ای از کم حرف شدن، نیاز به توجه، اعتماد به نفس پایین، انزوای اجتماعی، اضطراب و استرس تا افسردگی، اختلال شخصیت مرزی، اختلال در سیستم عصب-زیستی، اختلال در فرایندهای رفتاری و تحولی، اختلال دوقطبی، داشتن افکار خودکشی، اقدام به خودکشی و انواع بیماری‌های شدید روانی را دربر می‌گیرد (بورگیوس و همکاران، ۲۰۱۸).

براسای یافته‌های گل‌محمدیان و همکاران (۱۴۰۱)، به‌طور کلی شاید پیامدهای کودک آزاری از جنبه زمانی در دو دسته جای گیرند: پیامدهای زودرس و پیامدهای دیررس. همچنین این پیامدها را می‌توان از جنبه میزان آسیب به دو دسته: آسیب پایدار و آسیب ناپایدار تقسیم کرد. پیامدهای زودرس، بیشتر درخصوص پیامدهای جسمی کودک آزاری دیده می‌شوند که در بیشتر موارد در طول زمان برطرف می‌شوند و چنانچه میزان آسیب بدنی شدید باشد در گروه پایدار هم جای می‌گیرند. در چنین حالتی درد و آسیب جسمی در داز مدت، درد روانی و رنج روانی را به همراه خود دارد. پدیده کودک آزاری علاوه بر خود کودک، خانواده او، اجتماع و چندین ارگان و سازمان را درگیر می‌کند که از آن دسته می‌توان به نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی، سازمان زندان‌ها، دادگستری و محاکم قضایی کودکان اشاره کرد. بنابراین میزان هزینه‌ای هم که بر دوش این افراد و سازمان‌ها می‌گذارد، هرچند نامشخص، باتوجه به گستردگی پیامدها، تاثیرات آن‌ها، بلندمدت و گاه جبران‌ناپذیر خواهد بود. به‌ویژه چنانچه این آسیب از دسته سوء استفاده جنسی باشد که در این وضعیت، با توجه به اینکه شدت آسیب به‌قدری بالاست که در بیشتر موارد درمان‌پذیر هم نیست، موجب هدر رفتن نیروی انسانی به‌صورت خاموش خواهد شد.

پیشگیری از کودک آزاری در حقوق مدنی و کیفری

قانون مدنی

قوانین مدنی ایران بیشتر ناظر به پیشگیری ثانویه از جرم است. پیشگیری ثانویه ناظر به افرادی است که در معرض خطر هستند. در واقع این نوع پیشگیری، ناظر به کودکان در معرض خطر می‌باشد. قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۷۳، به پیشگیری فوق توجه کرده است و با ضمانت اجرای سلب حق حضانت از پدر و مادر در شرایطی که احتمال بزه‌دیدگی اطفال و یا تکرار بزه‌دیدگی آن‌ها می‌رود به‌نوعی پیشگیری زودرس در زمینه حمایت از اطفال اقدام کرده است. به منظور حمایت از کودکان بی‌سرپرست، قانون‌گذار ایرانی، قوانین خاصی را تصویب کرده از جمله آن‌ها، قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۵۳ و قانون زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب ۲۴/۸/۷۱ و آیین‌نامه اجرایی آن، مصوب ۱۱/۵/۷۴ است. قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست، طبق ماده ۹، خود سازمان بهزیستی کشور را مجری این قانون معرفی کرده است. بر اساس این قانون، حمایت‌های مالی، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، تربیتی، کارایی و به وجود آوردن زمینه ازدواج و تشکیل خانواده برای زنان و کودکان بی‌سرپرست مقرر شده است. قانون فوق را می‌توان در زمینه پیشگیری ثانویه و حمایت از "افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی تلقی کرد، بنابراین در نظر گرفتن حمایت‌های ویژه برای آن‌ها ضروری است (زینالی، ۱۳۸۲).

تصویب چنین قوانینی به خصوص در ارتباط با کودکان خیابانی اهمیت بسیاری دارد. چراکه وضعیت فردی و اجتماعی و فقدان حمایت‌های خانوادگی، قانونی و اجتماعی از این‌گونه کودکان، از آنان بزه‌دیدگان بالقوه‌ای می‌سازد که این امر به شدت بر فرآیند بزه‌دیدگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و آن را تشدید می‌نماید. همچنین قوانین مدنی ایران با مقرر ساختن ساز سازوکارهایی خاص نظیر حضانت، ولایت، الزام به انفاق از فال، وصایت به قیمومت، فرزندخواندگی و ... به حمایت از اطفال اقدام کرده است تا از در معرض خطر قرار گرفتن سلامت روانی، اخلاقی، جسمی و وضعیت اجتماعی اطفال جلوگیری نمایند (عبدالله‌پور، ۱۳۹۸).

قوانین کیفری

قوانین کیفری، گرچه از یک سیاست کیفری منسجم و هماهنگ در مبارزه کودک آزاری تبعیت نکرده، در عین حال، از دو طریق، در مقام پیشگیری کیفری برآمده است:

۱- حمایت کیفری افتراقی از اطفال با تشدید مجازات بزه‌کارانی که اطفال را قربانی اعمال مجرمانه خویش قرار می‌دهند.

۲- جرم‌انگاری خاص برخی رفتارها.

آخرین قانون کیفری ویژه در زمینه فوق قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ است.

اگرچه تصویب قوانین می‌تواند گام بسیار مهمی در زمینه پیشگیری کیفری از کودک آزاری و مبارزه با آن محسوب شود ی در عین حال باید به این واقعیت نیز اذعان کرد که نظام کیفری دارای ظرفیت و استعداد محدود می‌باشد و حقوق جزا تنها توانایی کنترل بخشی از جرائم را دارد. طبیعی است که در جامعه برای مهار جرم بایستی بر سازوکارهای دیگر نیز تکیه کرد. از جمله این راهکارها، تأکید بر فرهنگ‌سازی در جهت حذف و مبارزه با کودک آزاری و نیز آگاه کردن جامعه در زمینه حذف این آسیب اجتماعی و نیز تأکید بر تأثیرات مثبت اخلاق و گرایش‌های دینی، تبلیغ و ارائه آن‌ها در جهت آموزش نحوی تعامل مناسب با کودکان می‌باشد (عبدالله‌پور، ۱۳۹۸).

بحث و نتیجه گیری

قوانین ایران پایان کودکی را رسیدن به سن بلوغ می‌داند و در مواردی رسیدن به سن رشد را در این زمینه معتبر شناخته است. از سوی دیگر قانون‌گذار در سال ۱۳۸۱ رویکرد جدیدی، با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که از مفاد میثاق حقوق کودک ۱۹۸۹ میلادی الهام گرفته شده است، در این زمینه اتخاذ نمود. بر اساس این قانون، ملاک سنی برای حمایت از کودکان در برابر آزار، ۱۸ سال خورشیدی است. کودک آزاری رفتاری است که کودک مورد انواع آزارهای جسمی، جنسی، بی‌توجهی و سوء رفتارهای عاطفی قرار می‌گیرد. کودک آزاری جنسی یا پدوفیلی نوعی از کودک آزاری می‌باشد که از زشت‌ترین، فجیع‌ترین و جنجالی‌ترین مسایل مربوطه حقوق جزا به خصوص در جرایم علیه اطفال می‌باشد. کودک آزاری جسمی هم آسیبی است که مواردی چون ضربه زدن، داغ کردن، آسیب رساندن به سر، شکستگی، آسیب‌های درونی و غیره را شامل می‌شود. تحقیر کردن، تمسخر، سرزنش، طرد نمودن و محرومیت عاطفی از جمله موارد مربوط به آزار عاطفی کودک می‌باشد که بر روی کارکردهای روانشناختی رفتار و رشد کودک به شدت تاثیر منفی خواهد داشت. در قسمت ابتدایی اصل ۹ قانون حقوق کودک آمده است که کودک باید در برابر هرگونه غفلت، ظلم، شقاوت و استثمار حمایت شود و براساس ماده ۳ پیمان‌نامه جهانی کودک، منافع عالی‌ه کودک باید در هر اقدامی از سوی سرپرستان و والدین مورد توجه قرار گیرد. و براساس این ماده، دولت‌ها نیز موظف شده‌اند در صورت کوتاهی والدین نسبت به فرزندان، حمایت‌ها و مراقبت‌های لازم را از آنان انجام دهند. در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان آمده است که هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به خطر اندازد، ممنوع است. مثلاً در قانون مجازات اسلامی برای کودک آزاری روانی تا ۷۴ ضربه قرار داده شده است. از پیامدهای کودک آزاری می‌توان به پیامدهای جسمی مثل لرزش دست‌ها، سوختگی، خراشیدگی، لنگیدن هنگام راه رفتن، آسیب به سر و غیره و از پیامدهای روانشناختی به انزوای اجتماعی، اضطراب، استرس، افسردگی، اختلال شخصیت مرزی، اختلال در سیستم عصبی-زیستی و غیره اشاره کرد. قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۷۳ به پیشگیری از کودک آزاری توجه کرده است و با ضمانت اجرای سلب حق حضانت از پدر و مادر در شرایطی که احتمال بزه‌دیدگی اطفال و یا تکرار بزه‌دیدگی آنها می‌رود به‌نوعی پیشگیری زودرس در زمینه حمایت از اطفال اقدام کرده است و در قانون کیفری دو اقدام برای پیشگیری آمده است: اولی حمایت کیفری افتراقی از اطفال با تشدید مجازات بزه‌کارانی که اطفال را قربانی اعمال مجرمانه خویش قرار می‌دهند و دومی جرم‌انگاری خاص برخی رفتارها.

منابع

- ابراهیمی، زهره (۱۳۹۷). بررسی جرم‌شناختی- حقوقی کودک آزاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی بندر انزلی.
- اسدی، لیلا (۱۳۸۶). بررسی مفهوم کودکی با رویکردی به حوزه کیفری. فصلنامه ندای صادق، ۱۲ (۴۵-۴۶)، ۳۴-۵۸.
- اسمعیلی، ثریا؛ آرمند، محمدعلی و اژدری، آرام (۱۳۹۸). کودک آزاری از منظر کیفی (مطالعه موردی شهر شاهین‌دژ). فصلنامه روانشناسی و علوم رفتاری ایران، ۵ (۱۹)، ۷۸-۹۳.
- اکبری، عباسعلی و حجازی، سیده منیرا (۱۳۹۹). سیاست کیفری ایران در قبال کودک آزاری جنسی در پرتو قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹. فصلنامه حقوق کودک، ۲ (۸)، ۸۱-۱۰۹.

ایروانیان، امیر؛ متوالی زاده نایینی، نفیسه؛ مالجو، محسن؛ جوانمرد، بهروز و سیدزاده ثانی، سیدمهدی (۱۳۸۹). کودک آزاری: از علت شناسی تا پاسخ دهی. چاپ اول، تهران، نشر خرسندی.

پیوندی، غلامرضا (۱۳۹۰). حقوق کودک. چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

حبیبی، سمیرا و گوهری مقدم، مریم (۱۳۹۶). پیشگیری از کودک آزاری و درمان آن. فصلنامه مطالعات روان شناسی و علوم تربیتی، ۳(۲)، ۹۵-۱۰۵.

حسینی نیا، سیده طاهره (۱۳۹۵). پیشگیری از کودک آزاری در فرایند دادرسی با رویکرد به سیاست کیفری اسلام. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره).

خلیلی پاجی، عارف؛ میرکمالی، سید علیرضا و باقری، علی (۱۳۹۶). بررسی فقهی و حقوقی مرز کودک آزاری و تنبیه کودک از سوی والدین. دو فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، ۱۱(۳۵)، ۵-۲۷.

رستم زاده، نازیلا (۱۳۹۸). بررسی حقوقی کودک آزاری. اولین کنفرانس بین المللی پژوهش و مطالعات در روانشناسی و علوم تربیتی و علوم.

رشنو، عبدالله (۱۴۰۰). تبیین خلاءها در زمینه مقابله با کودک آزاری با تاکید بر لزوم پیروی از اسناد بین المللی. فصلنامه مطالعات حقوق، ۱۲(۱۶)، ۱۹۳-۲۲۱.

رضائی، یوکابد (۱۴۰۰). بررسی حمایت از بزه دیدگی جنسی اطفال و کودک آزاری در جامعه. فصلنامه الکترونیکی پژوهش های حقوقی قانون یار، ۴(۱۳)، ۷-۳۵.

زینالی، حمزه (۱۳۸۲). نوآوری های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش های فراوان آن. فصلنامه رفاه اجتماعی، دانشگاه بهزیستی و توانبخشی، ۲(۷)، ۵۹-۹۲.

سیدی بنایی، سیدباقر و ولی نژاد، مجتبی (۱۴۰۰). نقش دولت در برابر کودک آزاری در حقوق موضوعه ایران. فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۲۱(۲)، ۱۱۹-۱۵۱.

صبوری پور، مهدی و حق بین، فائزه (۱۴۰۲). نوآوری ها و چالش های قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در پیشگیری از کودک آزاری. مجله پژوهش های حقوقی، ۲۲(۵۳)، ۵۰۷-۵۳۷.

عبدالله پور، شیدا (۱۳۹۸). بررسی جرم کودک آزاری در حقوق ایران و فرانسه. فقه، حقوق و علوم جزا، شماره ۱۱، ۵۸-۶۹.

فخار، معصومه (۱۳۹۷). بررسی علل و عوامل اجتماعی کودک آزاری و راهکارهای پیشگیری از آن در حقوق ایران و ظرفیت های قانونی مقابله با کودک آزاری. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، موسسه آموزش عالی آل طه.

قاسمی، ناصر (۱۳۹۲). اقدامات تأمینی تربیتی، تهران: نشر میزان.

گل محمدیان، محسن؛ روغنچی، محمود؛ خفتان، پروانه؛ رستمی، یگانه و مسعودی پور، الهام (۱۴۰۱). واکاوی پیامدهای جسمانی و روان شناختی کودک آزاری در استان کرمانشاه: یک مطالعه کیفی. مجله پزشکی قانونی ایران، ۲۸(۱)، ۴۳-۵۰.

مختارزاده، لیلا؛ کاظمی، هادی و امام جمعه، فرهاد (۱۴۰۱). ارزیابی و تبیین رواج پدیده کودک آزاری و جرم انگاری آن در شهر اصفهان. مجله پزشکی قانونی ایران، ۲۸(۲)، ۵۶-۶۳.

مرعشی، سید عبدالرضا؛ شاملو، باقر و سایبانی، علیرضا (۱۴۰۱). چالش های گفتمان سیاست جنایی دیوان عالی کشور در جرائم علیه امنیت با نگاهی به فشارهای افکار بین المللی و جهانی. تحقیقات حقوقی بین المللی، ۱۵(۵۵)، ۴۷۱-۴۹۳.

مشرفیان دهکردی، لیلا (۱۳۹۶). کودک آزاری، علل و انواع؛ با اشاره به حقوق کودک و نقش مهم خانواده در بروز آن. فصلنامه اطلاع رسانی، آموزشی- پژوهشی نواندیش سبز، ۱۱(۴۳)، ۳۸-۴۳.

مفاخری باشماق، سامان؛ نفس زاده، یحیی و کاظمی، فرنگیس (۱۳۹۷). ارزیابی عصب شناختی کودک آزاری، فصلنامه سلامت روان کودک، ۵(۱)، ۱۳۸-۱۵۴.

مهر، نسرين (۱۳۸۸). رویکرد جامعه شناختی حقوقی به پدیده کودک آزاری. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۹(۳۵)، ۲۵۱-۲۷۰.

مهرپور، حسین (۱۳۸۳). نظام بین المللی حقوق بشر. چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.

Bourgeois C, Lecomte T, Daigneault I (2018). Psychotic disorders in sexually abused youth: A prospective matched-cohort study. *Schizophr Res.* 199:123-7.

Boyce T, Frank E, Jensen P, Kessler R, Nelson C, & Steinberg L (1998). The Macarthur Foundation Research Network on Psychopathology and Development. *Development and Psychopathology.* 10 (2): 143-164.

Finklea, Kristin, Siskin, Alison (2015). "sex trafficking Of Children in the UNITED STATES", Overview and Issuer for Congress, Congressional Research Service.

Khushaei K (2003). Sexual Abuse: A Case Report. *Journal of Social Welfare.* 2 (7): 131-139.

Leong FT (2008). *Encyclopedia of counseling.* Sage; April 25, doi: 10. 4135/9781412963978.

Manly J, Cicchetti, D, & Barnett D (1994). The Impact of Subtype, Frequency, Chronicity, and Severity of Child Maltreatment on Social Competence and Behavior Problems. *Journal of Development and Psychopathology.* 6 (1): 121-143.

Mousavi Hendari T, Mahmoud Alilou M, Madani Y (2019). Structural Relationships between Child Abuse and Emotional Disorder with Borderline Personality Symptoms. *Scientific Journal of Psychology.* 86(22):188-201.

Naseri L, Aali A, Abbasi M (2020). Analyzing the Situation of Child Rights in the World: Extracting Implications for Iran. *Child Rights Journal.* 6 (6):43.